

لطف های نهفته در عید فطر (2)

<?xml encoding="UTF-8">

شب عید فطر و آمادگی روحی برای روز عید

اعمال و آداب شب عید فطر، برای پیداکردن آمادگی روحی در ورود به روز عید سعید فطر است. در حقیقت، آثار معنوی و روحی اعمال این شب بر جان و دل بنده، بیشترین گنجایش را جهت دریافت هدایای معنوی و موهبت های ملکوتی در روز عید فطر، می بخشد. «وقت ظهور آثار اعمال ماه رمضان و اعطای پاداش عبادت آن، روز عید است. بنابراین، هر کس در شب عید، مراقبت بیشتر و بهتری از خود نماید، و در جبران کاستی های خویش بکوشد بهره بیشتری از پاداش های الهی خود در روز عید خواهد داشت. و باید دانست که امر عبادت در این شب، بسی مهم است. تا آنجاکه امام سجاد (ع) به فرزندان خویش در این باره سفارش می کرد و می فرمود: «این شب، دست کمی از شب قدر ندارد.» پس بر سالک راه، لازم است که در این شب، کوشش خود را افزون تر کند، و در عبادت و مراقبت تلاش بیشتری کند؛ چرا که با توجه به شرافتی که این شب دارد، وقت پاداش و آخر کار است و خدمت بیشتر و محکم تری می طلبد. پس در این شب به ائمه معصومین (ع) توسل جوید، و از آنها که بخواهد که او را در اصلاح اعمالش یاری نمایند. و در این توسل، سعی کند کاستی های خود را بر طرف کرده، خود را به کمال برساند.» (1)

امام باقر (ع) می فرمود: «پدرم علی بن حسین (ع) شب عید فطر را در مسجد می ماند و تا صبح نماز می خواند و می فرمود: پسر! این شب، کمتر از شب قدر نیست.» (2)

حضرت علی (ع) نیز فرموده است: «شایسته است که آدمی در طول سال، چهار شب دست از هر کاری بردارد و به عبادت خدا بپردازد:» شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه ماه شعبان، و شب اول رجب.» (3)

و از اعمال دیگر این شب، زیارت امام حسین (ع) برای هر کس و در هر کجا که باشد. از امام صادق (ع) روایت شده است که هر کس قبر امام حسین (ع) را در شب عید فطر و شب عید قربان زیارت کند، خدا گناهان گذشته اش را بیامرزد. (4)

نکته ای که درباره توصیه به زیارت امام حسین (ع) در شب عید فطر، وجود دارد این است که در این عمل، از جمله، آنچه مهم است، توجه به تربت خونین شهید، و الفاظ و مضامینی است که در این زیارت به کار رفته است؛ الفاظ و مضامینی که همه حاکی است از فلسفه عاشورا، و به طور کلی، فلسفه تحرک داشتن و با حماسه بودن و قیام در برابر ستم، در هر جا و در هر وقت، بدین گونه می بینیم که اسلام، عبادت را، عید را، زیارت شهیدان را، و خلاصه همه عوامل پدید آمدن یک جامعه انسانی و درست را، درهم آمیخته، و در احکام خود رعایت نموده است. این است که در اسلام، همواره، فرد با جامعه، و جامعه با فرد، و همه با خدا درحال ارتباطند. (5)

عید فطر؛ عید «محبت دو سویه»

پی بردن به مهر پروردگار نسبت به خویش، کار دشواری نیست؛ کافی است سری به دلمان بزنیم تا آن را سرای

محبت خدا ببینیم، و بدانیم که خود اوست که ما را به انجام دادن کارهای نیک و شایسته توفیق داد. اینجاست که مطمئن می شویم او به ما مهر می ورزد و دوستان دارد. به تعبیر زیبایی مولوی:

چون دراین دل برق مهر دوست جست
اندر آن دل دوستی می دان که هست
هیچ عاشق، خود نباشد وصل جو
که نه معشوقش بود جویای او
در دل تو مهر حق چون گشته نو
هست حق را بی گمان مهری به تو (6)

از این رهگذر عید سعید فطر، یاد آور مهر خداوند به بنده خویش است. نشانه اش نیز آن است که در دل بنده اش، شور و شوق پدید آورد، او را به مهمانی خویش راه داد، و با مائده های آسمانی از او پذیرایی کرد. اکنون نیز بر آن است تا پاداش های بزرگ، ارزانی اش دارد. این ابراز دوستی خاموش و بی زبان، چندان لطیف و نازک است که راه فهمیدن آن برگشت به قلب خویش است، و اینکه چه اندازه از این ماه عزیز استقبال کردیم، و عبادتمان چقدر با عشق به میزبان این ماه آمیخته بود. بی گمان آن که در این ضیافت گسترده، عاشق تر و شیداتر بود، دل محبوب را نسبت به خویش، مهربان تر و پرمهر تر می یابد؛ به ویژه اگر این عاشق، جوانی پاک نهاد و با صفا باشد، که اقتضای جوانی، شیدایی بیشتر است و عشق افزون تر؛ زیرا قلب جوان، پاک تر است و به ملکوت نزدیک تر. چه پرشور است این محبت دوسویه و عشق دوجانبه! آنجا که هم عاشق، دلش برای معشوق می تپد و هم معشوق، خاطر خواه عاشق می شود. آری:

سایه معشوق اگر افتاد برعاشق چه شد
ما به او محتاج بودیم او به ما مشتاق بود
«حافظ»

عید فطر و بلوغ روحی

عید فطر، روز بلوغ روحی روزه داران است؛ چرا که روزه داران، زمانی را عید می گیرند که توفیق یافته باشند غرایز خود را کنترل، و خواسته های نفس را تعدیل کنند. اگر تا پیش از ماه مبارک، معیار سرور و خوش حالی، پاسخ گویی به غرایز و خوردن و آشامیدن به دل خواه بود، اکنون معیار خوش حالی، باز داشتن غرایز از زیاده خواهی ماست؛ یک ماه، شکم از آب و نان، تهی داشتند و گوهر های اجلائی (7) جای گزین آن ساختند:

گر تو این انبان ز نان خالی کنی
پر زگوهر های اجلائی کنی (8)

و سی روز، جان را از «شر شیطان بازداشتن»، «انبار گشتن و شریک شدن با ملائکه» است:

طفل جان از شیر شیطان باز دار بعد از آتش با ملک ، انباز دار (9)

باری، خداوند، بی آنکه لذت های مادی را بر بندگانش نادیده گیرد و بندگانش را ازدست یابی به لذت ها و خوشی ها، در اندازه معقول و مشروع آن باز دارد به مناسبت های گوناگون، ذهن بندگانش را به لذت حقیقی و خوشی راستین را به آنان می نمایاند. عید فطر، یکی از آن بهانه های خدایی است برای چشاندن طعم لذت معنوی به بندگان روزه دار، و اینکه عید حقیقی و لذت متعالی، در بلوغ روحی برآمده از کنترل خواهش ها و مهار غریزه ها نهفته است. و جشن واقعی را باید برای دست یابی به چنین مقامی بر پا نمود. به این حدیث دل نشین از حضرت علی (ع) توجه کنیم: «انما هو عید لمن قبل الله صیامه و شکر قیامه و کل یوم لا یعصى الله فیه فهو عید، این عیدکسی است که خدا روزه اش را پذیرفته، و نماز وی را سپاس گفته است، و هر روز که خدا در آن نافرمانی نشود، روز عید است.» (10)

گرچه لذت های مادی، در جای خود، مایه آرامش روحی و اسباب تعالی معنوی است، از یاد نبریم که جایگاه این دست از لذت ها، همواره در حد یک وسیله است، نه هدف. هدف، همان، دست یابی به لذتهای معنوی است که فراتر از لذت های حسی است و رسیدن به آن نیز نشانه بلوغ روحی انسان است. به تعبیر جبران خلیل جبران: «لذت حسی، سرود آزادی است، اما نفس آزادی نیست. شکوفه های آرزوست اما میوه آن نیست. لذت حسی، ژرفایی است که ما را به بلندا می خواند، اما خود، بلند نیست. لذت ، قفسی است که در فضا بال گرفته، اما بی حجاب، با فضای بی کران پیوند ندارد. لذت های متعالی را در فراتر از این گونه لذت ها بجوید.» (11)

بنابراین، عید فطر، بلوغ حقیقی عارفان و روزه داران اهل دل است، بدان نشان که نمونه ای از یک لذت معنوی و فرا حسی را می چشند، و از این راه به سوی لذت هایی والا هدایت می شوند.

عید فطر و اذن عام رحمت پروردگار

عید فطر، روز جوشش رحمت الهی است. «درحقیقت، یکی از حکمت های مهم تشریع «عید فطر» و بیرون آمدن برای نماز در این رزو ، اظهار رأفت و رحمت و بسط جود و کرم و احسان پروردگار نسبت به بندگان خویش است. و این اذن عمومی دراین روز، اقتضای برچیدن بساط قهر و غضب و گسترش پرچم های الطاف پروردگار است؛ و بیم و هراس، با آن تناسبی ندارد، هر چند بنده را گناهان همه عالم باشد. و در این مقام می سزد که بنده را نسبت به خدای بزرگ، حسن ظن یعنی گمان نیک و امید بسیار به رحمت و کرم و عطایای پروردگار باشد. پس به اندازه گمان نیک به خدا، دریافت موهبت و عطایا از سوی او افزایش می یابد.

بی گمان در چنین روزی، خوف و ترس، جز برای کسی که سوء ظن به آفریدگار دارد نیست. پس به حکم عقل و ادب و ایمان، واجب است که امید بنده به بخشش و عفو و فضل و رسیدن به آرزوها قوی تر و بیشتر باشد و بایستی که خویشتن را با بندگان صالح و شایسته خدا هم نشین نماید، هر چند از آنها نباشد؛ و با توسل به اولیای الهی، به سوی خداوند رو کند، هر چند تاریکی گناه از چهره او پیدا باشد؛ و بداند که خداوند در چنین روزی در مقام سخت گیری و مناقشه نیست، و در مقام آن است که هیچ بنده ای را تهی دست از آستان قدس خویش برنگرداند.» (12)

1. همان، صص 128 و 129.
2. دایره المعارف تشیع، ج 12، ص 529.
3. همان.
4. همان.
5. حمد رضا حکیمی، بعثت، غدیر، عاشورا، مهدی، ص 155.
6. مثنوی معنوی، تصحیح: نیکلسون، دفتر سوم، بیت های 4393، 4394 و 4396.
7. اجلالی: پربها وارزشمند.
8. مثنوی معنوی، دفتر اول، بیت، 1648.
9. همان، بیت 1649.
10. نهج البلاغه، حکمت 428.
11. جبران خلیل جبران، پیامبر، ترجمه: دکتر الهی قمشه ای، ص 85.
12. مراقبات، ج 2، ص 171.